

## شادی در جامعه نویسنده: اریک بنکرافت

فارغ‌التحصیلی از دبیرستان را به یاد می‌آورید؟ خاطره‌ی بسیاری از ما این است که دوربین‌ها مشغول فیلم‌برداری بودند، خانواده‌ها حضور داشتند و دوستان آمده بودند تا به ما تبریک بگویند. در آن وضع و شرایط شیرین، کسی که ماجرا را نمی‌دانست تصور می‌کرد لابد درمان بیماری لاعلاجی را کشف کرده‌اید. اما در واقع فقط انتظارات اولیه‌ی تحصیلی را که از دانش‌آموزان سال دوازدهمی ایالات متحده انتظار دارند برآورده کرده‌اید. با این حال، دیگران به شما تبریک و تهنیت می‌گفتند. احتمالاً اولین باری نبود که شادی را تجربه می‌کردید و امید است آخرین بار نیز نبوده باشد.

تصور کنید که اگر دیگران نمی‌بودند، این رویدادهای مهم زندگی (فارغ‌التحصیلی‌ها، عروسی‌ها، اخبار تولد و غیره) به چه شکل درمی‌آمدند. البته این رویدادها همچنان وجود می‌داشتند، ولی خالی و ناقص بودند. اما مانند این در زندگی بسیاری از مسیحیان که زندگی مسیحی خود را با روابط معنادار بسیار کمی می‌گذرانند صادق است. این سخن لزوماً بدین معنی نیست که آنها در کلیسای محلی حضور پیدا نمی‌کنند یا کتب مسیحی نمی‌خوانند یا برای کلام خدا و دعا وقت صرف نمی‌کنند. در عین حال، عمده‌ی این کارها را بدون روابطی که خداوند در کلیسای محلی برایشان در نظر گرفته است انجام می‌دهند.

از آغاز زمان، خداوند انسان را به گونه‌ای آفرید تا در اجتماع و نزدیک هموعانش باشد. از آدم که یاور مناسبی برایش آفریده شد تا موسی که هارون همراهش شد و تا عیسی که دوازده شاگرد را برگزید تا طی دوران خدمت زمینی‌اش با او زندگی کنند و از وی بیاموزند، حرکت همیشه از فرد به جمع بوده است. متأسفانه، امروزه ذهن غربی خودمختاری را می‌ستاید و حریم خصوصی را ارج می‌نهد و همین تاثیر فراوانی بر تفکر افراد مسیحی راجع به رابطه‌شان با دیگر مسیحیان داشته است. آنها به نحوی غم‌انگیز متوجه نیستند که زندگی مسیحی گرچه شخصی است، ولی خصوصی نیست. مسیحیان از خود به بیرون کشیده و به جامعه‌ی خواهران و برادران جدیدی دعوت می‌شوند که همگی یک پدر دارند. آنها نام‌های یکدیگر را می‌آموزند، بارهای یکدیگر را بر دوش می‌کشند، از زندگی یکدیگر چیزها یاد می‌گیرند و یکدیگر را تشویق می‌کنند «در پی مقصد می‌کوشم بجهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است.» (فیلیپیان ۳: ۱۴)

اشتباه نکنید. این مشارکت در اجتماع فقط به اطاعت ختم نمی‌شود، بلکه راه دستیابی به شادمانی است. پولس می‌گوید در مسیح شاد باشید؛ او که دلیل شادمانی ماست. با این حال، آن چشمه رودخانه‌ی شادی را که از دل جامعه‌ی عهد جدید می‌گذرد پرآب می‌کند. اینکه از دیگران بخواهیم زندگی عیسی را تقلید و پیروی کنند لذت‌بخش است (فیلیپیان ۳: ۱۷). اینکه دیگران برای شما ابراز نگرانی کنند لذت‌بخش است (۴: ۱۰). اینکه بدانید خداوند دیگران را برای تسلی مصائب فرستاده، نه فقط همدلی کردن بلکه همدردی کردن، لذت‌بخش است (دوم

قرن‌تینان ۱: ۴). اینکه بدانید محبت به خداوند و اطاعت از کلامش دیگران را به همین کارها تشویق می‌کند لذت‌بخش است (اول تسالونیکیان ۱: ۸-۹). اینکه بدانید شما بخشی از «قبیله‌ی برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید» (رساله اول پطرس ۲: ۹) شادی‌آفرین است.

اجازه دهید مقصود خود را به‌وضوح بیان کنیم. منظور من درخواستی برای شرکت در مسابقات شخصیت در کلیسای محلی یا تماشای افرادی که در مقابل شما زندگی مسیحی خود را با شادی می‌گذرانند نیست. من در مورد چیز بسیار مهمتری صحبت می‌کنم که ریشه در امید دارد که از انجیل عیسی مسیح و وعده‌ی بازگشت او برآمده است (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰). انجیل منبع و محرک شادی ماست. همانطور که تکه‌ای چوب وقتی در میان چوب‌های دیگر باشد گرم‌تر می‌سوزد، مسیحیان نیز با حضور در جامعه‌ی کلیسای محلی به شادمانی بیشتری دست پیدا می‌کنند. این شادمانی از بلندای شادمانی شادان و همدلی با دره‌های غم محزونان حاصل می‌شود (رومیان ۱۲: ۱۵). چگونه؟ با مشاهده‌ی اینکه دست خداوند چطور قومش را نگاه می‌دارد، کلام او چگونه اثبات می‌شود و روح‌القدس چگونه قومش را از منافع خودشان رویگردان می‌کند و به سوی شفقت به دیگران در خانواده‌ی کلیسای محلی‌شان رهنمون می‌سازد.

شما چطور؟ وقتی به این موضوع از *تیبیل‌تاک* می‌پردازید، میل دارید از کجا شروع کنید؟ از خداوند و پادشاه اعظم ما چه می‌پرسید؟ یکی از نقاط شروع مناسب این است که خود را یک قدم دیگر به کلیسای محلی نزدیک کنید. تلفن را بردارید. قرار گفتگویی را ترتیب دهید. پس از مراسم یکشنبه کمی بیشتر در کلیسا بمانید. در جلسه‌ی مطالعه‌ی هفتگی کتاب‌مقدس که یکی از روزهای وسط هفته برگزار می‌شود کمی زودتر حاضر شوید. از دیگران بپرسید طی هفته‌ی گذشته چه چیزهایی دلگرمشان کرده است. از دیگران بپرسید برای چه موضوعاتی می‌توانید برایشان دعا کنید تا با عیسی همراه شوند. شادی به تدریج در پی این امور تحقق می‌یابد و شواهد فیض خداوند مشاهده می‌شوند.

هر مسیحی، یک فارغ‌التحصیلی نهایی دارد که در انتظار آنهاست. وقتی آن روز فرا برسد، باشد که با خانواده‌ی خود در مسیح حضور یافته و با اعتماد سرودهایی همچون «راضی است جان من» را بخوانند که می‌گوید «خداوندا، بشتابان فرارسیدن روزی را که ایمان من به دیدن تبدیل شود». در آن روز، همه خواهند دانست شادی حقیقی چیست.

کشیش اریک بنکرافت، شبان کلیسای فیض واقع در میامی است.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.